معرفی‌کتاب

شغل مورد علاقه (پیمودن مسیر کامیابی با کشف استعدادهای حقیقی)



نویسنده: آلن دوباتن
مترجم: محمدهادی حاجی‌بیگلو
انتشارات کتاب‌سرای نیک

انتخاب شغل از آن تصمیم‌هایی است که گاه چنان بزرگ و سرنوشت‌ساز به نظر می‌رسد که تصور می‌کنیم باید پاسخ درست آن را از همان ابتدا بدانیم. اما کتاب «شغل مورد علاقه» اثر آلن دوباتن، نویسنده و فیلسوف معاصر، ما را از همین فشار سنگین رها می‌کند. این اثر که از مجموعه «مدرسه زندگی» است، به جای آنکه نسخه‌ای کلیشه‌ای و قطعی برای یافتن حرفه‌ای بی‌نقص بپیچد، پیچیدگی رابطه روان‌شناختی انسان با کار را جدی می‌گیرد. کار باید معاش ما را تأمین کند، اما آیا می‌تواند معنا، رضایت و لذت نیز به زندگی‌مان بیفزاید؟ دوباتن پاسخ را نه در یک ندای آسمانی ناگهانی، بلکه در تأمل، تجربه، خودشناسی تدریجی و پذیرش واقعیت‌های بازار کار جست‌وجو می‌کند.

برای مدت طولانی در تاریخ بشر، کار و خوشی دو قلمرو کاملاً جداگانه تصور می‌شدند. وظیفه، تحمل رنج و کسب درآمد بود و لذت را باید بیرون از ساعات کار جست‌وجو می‌کردیم. بااین‌حال، در جهان مدرن انتظار دیگری شکل گرفته است: انسان امروزی از شغل خود رضایت، خلاقیت و حتی نوعی تحقق شخصی می‌خواهد. این تحول امیدبخش است، اما توقعات و بحران‌های تازه‌ای نیز می‌سازد. اگر کارمان شورانگیز نباشد، ممکن است گمان کنیم زندگی را اشتباه انتخاب کرده‌ایم؛ و اگر هنوز «رسالت» خود را کشف نکرده‌ایم، خود را عقب‌مانده یا کم‌استعداد می‌پنداریم. دوباتن یادآوری می‌کند که این داوری‌های سخت‌گیرانه اغلب از تصویری آرمانی و ناممکن سرچشمه می‌گیرند.

یکی از باورهای رایج این است که هرکس رسالتی یگانه دارد و کافی است منتظر بماند تا اشتیاقی روشن، مانند ندایی ناگهانی، مسیر را نشان دهد. از کودکان می‌پرسیم وقتی بزرگ شدند چه‌کاره می‌شوند، گویی باید در چهار یا پنج‌سالگی هویت حرفه‌ای خود را بشناسند. اما انسان تغییر می‌کند. بنابراین، ندانستن مسیر دقیق آینده، نقصی شرم‌آور نیست. چه‌بسا پذیرفتن اینکه هنوز پاسخ را نمی‌دانیم، نشانه بلوغ باشد. یافتن تناسب میان شخص و شغل معمولاً به سال‌ها فکرکردن، آزمودن، بازنگری و گفت‌وگو با افراد آگاه نیاز دارد.

دوباتن پیشنهاد می‌کند به جای انتظار برای الهام کامل، سرنخ‌های درونی و بیرونی خود را گردآوری کنیم. حسادت، برای نمونه، می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره آرزوهای پنهانمان بدهد. وقتی از موفقیت همکلاسی سابق یا مسیر حرفه‌ای فردی دیگر حسرت می‌خوریم، بهتر است به جای سرزنش خود بپرسیم: «از این احساس چه می‌توانم بیاموزم؟» حسادت الزاماً نشانه بدخواهی نیست؛ گاهی تصویری از چیزی است که خودمان می‌خواهیم، اما هنوز برای نام‌گذاری‌اش شهامت نداشته‌ایم. البته نباید زندگی دیگران را از روی ظاهرشان کامل و بی‌دردسر فرض کنیم. ما خود را از درون، با همه اضطراب‌ها و تردیدها، می‌بینیم؛ در حالی که دیگران را عمدتاً از بیرون و از خلال دستاوردها و روایت‌های گزینش‌شده‌شان می‌شناسیم. این نابرابری در اطلاعات، مقایسه را ناعادلانه و رنج‌آور می‌کند.

شناخت خواسته‌ها همچنین به توجه عمیق‌تر به افکار و احساسات شخصی نیاز دارد. دوباتن با تکیه بر نگاه تحلیلی یادآور می‌شود که خلاقیت صرفاً داشتن افکاری عجیب نیست؛ بلکه جدی‌گرفتن دریافت‌هایی است که دیگران شاید به سادگی از کنارشان بگذرند. بسیاری از ما ایده‌هایی در ذهن داریم، اما از ترس تحقیرشدن، مخالفت عمومی یا سرزنش اطرافیان، آن‌ها را خاموش می‌کنیم و به این تصور تن می‌دهیم که فقط افراد خاصی صلاحیت نوآوری دارند. در حالی که تجربه‌های مبهم، علاقه‌های قدیمی و کنجکاوی‌های پراکنده می‌توانند سرنخ‌هایی معتبر باشند. باید به آن‌ها گوش داد، نه اینکه بی‌درنگ هر علاقه‌ای را شغلی قطعی بدانیم؛ بلکه باید آن را با بررسی‌های عملی و کسب مهارت آزمود.

در این مسیر، پشتیبانی اطرافیان همیشه تضمین‌شده نیست. تغییر شغل یا دنبال‌کردن مسیری نامتعارف ممکن است نگرانی، تعجب و حتی مقاومت نزدیکان را برانگیزد. واکنش منفی آنان لزوماً اثبات نمی‌کند که تصمیم ما نادرست است؛ گاهی موفقیت یا استقلال دیگری، ناامنی‌های درونی خود آنان را آشکار می‌کند. در عین حال، باید میان نقدی که از دل توجه و تجربه دلسوزانه برمی‌خیزد و مخالفتی که بیشتر از ترس یا خودخواهی نشأت می‌گیرد، فرق بگذاریم. حفظ فاصله روانی و شنیدن نظر دانایان، بدون واگذارکردن اختیار زندگی به دیگران، بخشی از یک تصمیم‌گیری سنجیده است. اعتمادبه‌نفس نیز در این میان نقشی کلیدی دارد؛ نه به معنای اطمینان بی‌پایه، بلکه باور به اینکه ما نیز حق داریم موفقیت را تجربه کنیم. این حس اعتماد غالباً از حمایت‌هایی که دریافت کرده‌ایم نیرو می‌گیرد و در درون ما نهادینه می‌شود.

شناخت شغل مناسب فقط یافتن عنوانی جذاب نیست. گاهی نام یک حرفه، از کودکی، به ظرفی برای همه آرزوهایمان تبدیل می‌شود؛ اما واقعیت روزمره آن شغل، بازار کارش و ملزوماتش ممکن است با خیال ما فاصله زیادی داشته باشد. کسی که شیفته عنوان روزنامه‌نگاری یا کارآفرینی است، باید میان علاقه به ساختار ظاهری آن و واقعیت‌های سخت کار در آن حوزه تمایز قائل شود. بازنگری در تصورات اولیه و کنارگذاشتن بعضی گزینه‌ها شکست نیست؛ بلکه بخشی از رسیدن به خواسته‌ای دقیق‌تر است. طرح پرسش‌های عملی درباره مهارت‌ها، درآمد، سبک زندگی و میزان تحمل ما در برابر دشواری‌های هر حرفه، رؤیا را به برنامه‌ای قابل‌اجرا تبدیل می‌کند.

این کتاب در عین حال وعده نمی‌دهد که با انتخابی هوشمندانه می‌توان تمام رنج‌ها و تعارضات کاری را از میان برداشت. جهان مدرن ما را به آشتی‌دادن اموری امیدوار کرده که پیش‌تر جدا می‌دانستیم: درآمد و خلاقیت، امنیت و رضایت فردی. چنین آرمان‌هایی ارزشمندند، اما اگر آن‌ها را معیار کمال بی‌نقص قرار دهیم، مدام احساس کمبود خواهیم کرد. انتخاب شغلی همواره با تردید و هزینه همراه است؛ هیچ مسیر کاری تمام امکان‌های دیگر را حفظ نمی‌کند و هیچ تصمیمی تضمین نمی‌کند که پشیمانی یا سختی هرگز سراغمان نیاید. هنر انتخاب، حذف کامل تردید نیست، بلکه پذیرفتن محدودیت‌ها و حرکت‌کردن با آگاهی و مسئولیت‌پذیری بیشتر است.

در نهایت، «شغل مورد علاقه» را می‌توان دعوتی دانست به مهربانی با خود و کنجکاوی سازنده. به جای آنکه از خود انتظار داشته باشیم از پیش، نقشه کامل زندگی‌مان را بدانیم، می‌توانیم علاقه‌ها، حسادت‌ها و توانایی‌هایمان را به عنوان سرنخ جدی بگیریم؛ درباره کارهای واقعی تحقیق کنیم، تجربه‌های کوچک به دست آوریم و از افراد آگاه مشورت بخواهیم. باید صدای ترس و سرزنش‌های غیرمنطقی درونی را خاموش کنیم و بپذیریم که تصور ما از کار مطلوب در طول زمان تغییر می‌کند. شغل خوب الزاماً جایی نیست که هر روز سرشار از هیجان باشیم؛ بلکه فضایی است که میان معاش، توانایی‌ها، ارزش‌ها و حد معقولی از معنا و آرامش، تعادلی انسانی برقرار سازد. دوباتن با نگاه واقع‌گرایانه‌اش به ما یادآوری می‌کند که سردرگمی و دشواری، بخشی از مسیر رشدند، نه نشانه بی‌کفایتی؛ و همین بینش می‌تواند تصمیم‌گیری شغلی را از آزمونی هراس‌آور به سفری پیوسته برای ساختن زندگی و حرفه‌ای معنادار تبدیل کند.

کتاب فوق به صورت صوتی نیز منتشر شده است . همچنین ترجمه دیگری از این کتاب توسط انتشارات کتیبه پارسی با ترجمه مریم بار منتشر شده است .

بازارکار
BAZAREKAR
بنیانگذار اطلاع رسانی نوین کارآفرینی و اشتغال در ایران

جهاد دانشگاهی

۱۴۶۲

دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵
۲۱ جمادی الاولی ۱۴۴۸
۲ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست و ششم

صاحب امتیاز:
جهاد دانشگاهی
مدیرمسئول: امیرعلی بینام
سردبیر: زیر نظر شورای سردبیری
تحریریه: لیلا قرنفلی | وحید امینی نژاد
همکاران این شماره: سهیلا کلامی | سحر اصغریان | رضا طاهرخانی
گرافیک: شهره سلطان محمدی

عکاس: محمد امین دیزجی
زمینه انتشار:
اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی
آدرس هفته‌نامه: تهران،
خیابان انقلاب اسلامی
خیابان وصال شیرازی، کوچه بلخ، پلاک ۴
تلفن: ۶۶۹۷۱۸۲۵ نمابر: ۶۶۹۵۳۰۰۸
کدپستی: ۱۴۱۶۸۵۳۳۵۳

آدرس چاپ ایران کهن:
تهران، خیابان مطهری، نرسیده
به چهارراه سهروردی
کوچه سنندج، پلاک ۶،
مجتمع چاپ کهن
۰۲۱-۵۴۸۸۹۰۰۰
۰۲۱-۸۸۳۴۴۳۸۷